

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین «سعیدی - سعیدی افغانی»

۱۸ دسمبر ۲۰۱۶

## اعاده حیثیت و شرع اسلامی

«مَنْ لَا يَرْحَمُ لَا يُرْحَمُ» (حدیث) (کسی که رحم نمی کند بر او رحم نخواهد شد)

اعاده حیثیت بیشتر در ارتباط به اشتباهات قضائی و حکم خطا در محاکم به معنی توقیف شخص و بعد اثبات بی گناهی آن شخص مطرح می شود. در مواردی در ارتباط مطبوعات و رسانه ها با تهمت بستن بر کسی نیز مطرح است. در رابطه به اعاده حیثیت معمولاً بازگرداندن آبرو یعنی جبران تمامی ضرر و زیان های مادی و معنوی به شخص متضرر می باشد. در مسایل خطا در محدودیت آزادی انسان مانند توقیف قبل از حکم محکمه و ثابت شدن این که توقیف شده بی گناه بود و یا صدور و تنفیذ حکم و اما بعد ثابت شود که شخص محکوم علیه بی گناه بود، مطرح می شود. در تاریخ قضاء و عدالت در جهان از این قبل حالات رخ داده است که بخشی از آن به صورت نسبی قابل غرامات و اعاده است و اما در مواردی اعاده آن یا ناممکن است و یا هم دیر و محدود می باشد. هتک حرمت و اعاده حیثیت اشخاص که قربانی اشتباهات قضائی گردیده یا محکومیت قضائی یافته اند و رفتارشان در طول زمان به نحوی بوده که عدالت و انصاف اقتضای آن را دارد که آثار محکومیت کیفریشان محو شود. در مواردی چون قطع دست و اعدام و بخشی از جزا های دیگر بازگرداندن و اعاده ناممکن است. اما بحث امروزی ما هدفمند به آن جهت سوق داده می شود که در کشور ما افغانستان در رابطه به تجاوز به حق یک شخص از جانب مقام ارشد کشور ما مطرح و داغ شده است.

«اعاده» در لغت به معنای اعطاء، بازگرداندن، رجعت، جبران کردن و برگرداندن است. «حیثیت» نیز به معنای آبرو، اعتبار، حقوق و شخصیت می باشد.

حکمت و فلسفه کلی قوانین دین مقدس اسلام همین است که با تمام توان می خواهد آبرو، حیثیت، شهرت، نام و کرامت شخص و افراد جامعه محفوظ و مورد حمایت قرار داشته باشد و حتی اگر به علت حاکمیت قانون هم مورد تعرض قرار گیرد به مجرد آگاهی از آن در بازگشت و اعاده حیثیت کوشش ممکن صورت گیرد.

بنابر همین منطق است که به مسلمانان حکم صریح می نماید که ناموس، آبرو عزت مسلمان را مورد احترام و حرمت انسانی قرار دهد. دین اسلام برای کسی اجازه نمی دهد تا آبروی دیگران را بازیچه خویش قرار داده و آن را لکه دار ساخته، ارتکاب چنین کاری در منظر عام را شنیع می داند.

هدایت و حکم صریح اسلامی برای مسلمانان اینست که نباید مسلمان و انسان دیگری را اذیت و آزار برساند از تعرض به مال و حیثیت و آبروی مسلمان و انسانهای تحت حاکمیت کشور و حاکمیت اسلامی جداً خودداری شود. در حدیث آمده است: «كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ، دَمُهُ وَمَالُهُ وَعِرْضُهُ» «همه چیز مسلمان بر مسلمان دیگر حرام و محترم است،

خونش، مالش و حیثیت و آبرویش». (مسلم). مسلمان بر مسلمان دیگر حرام است. و فرمود: برای هیچ مسلمانی جایز نیست که مسلمان دیگری را دچار رعب و وحشت کند. برای مسلمان جایز نیست که با نگاه قهرآمیز که موجب اذیت و آزار است، به سوی مسلمانی دیگر نگاه کند» (احمد، ابوداود). و فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يَكْرَهُ أَدَى الْمُؤْمِنِ» (احمد). «خداوند اذیت و آزار مؤمنان را نمی‌پسندد». و فرمود: مسلمان به معنای واقعی کلمه کسی است که سایر مسلمانان از دست و زبان او در امان باشند. (متفق علیه). و فرمود: مؤمن واقعی کسیست که سایر مؤمنان درباره مال و جان‌های‌شان او را امین بدانند. (احمد، ترمذی و حاکم).

حکم دین اسلام همین است که مسلمان نباید در برابر رفتار بد برادر مسلمان خود عکس العمل زشت و بد نشان دهد بلکه هر مسلمان موظف است که اخلاق و رفتارش با دیگران نیک باشد و از هر گونه آزار رسانی به مسلمان دیگر جداً خود داری کند، با چهره‌ای گشاده و خندان همدیگر را ملاقات کنند، نیکی و احسان را از همدیگر بپذیرند و از خطاها و بدی‌ها در گذر کنند زیرا خداوند می‌فرماید: «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ» (الأعراف: ۱۹۹). «عفو را پیشه کن، امر به معروف کن و از جاهلان روگردان باش».

و رسول اکرم صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «اتَّقِ اللَّهَ حَيْثُمَا كُنْتَ وَأَتِيعِ السَّبِيَّةَ الْحَسَنَةَ تَمَحُّهَا وَخَالِقِ النَّاسَ بِخُلُقٍ حَسَنٍ» «هرجا که هستی از نافرمانی خدا بپرهیز، بعد از ارتکاب خطا و بدی، نیکی انجام بده، زیرا نیکی آثار بدی را می‌زداید و با اخلاق خوب با مردم رفتار کن». (حاکم و ترمذی).

انسان مسلمان باید از لغزش‌های مسلمان دیگر صرف نظر کند و عیوب او را پنهان نماید و در صدد کشف اسرار وی بر نیاید، زیرا خداوند می‌فرماید: «فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (سوره المائدة: ۱۳). «عفو کن و از آنان در گذر بفرما، همانا خداوند نیکوکاران را می‌پسندد»، و می‌فرماید:

«فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ» (سوره البقرة: ۱۷۸). «هر کس از جانب برادر مسلمانش مورد عفو قرار گرفت، او باید به خوبی حقش را دنبال کند و بدهکار نیز با حسن و خوبی، حق صاحب حق را بپردازد».

و می‌فرماید: «فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ» (شوری: ۴۰). «هر کس درگذرد و آشتی کند، پاداش او برعهده خداوند است». و می‌فرماید: «وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ» (سوره نور: ۲۲). «عفو و درگذر کنید، آیا دوست ندارید که خداوند از گناهان شما بگذرد» و رسول اکرم صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «عفو و گذشت مطمئناً موجب ازدیاد کرامت و عزت است، و فرمود: هر کس عیب و گناهان بنده را کتمان کند، خداوند روز قیامت گناهان او را پنهان خواهد کرد، و فرمود: ای کسانی که زبان شما کلمه را گفته است ولی ایمان در دل‌های‌تان داخل نشده است، از مسلمانان غیبت و بدگویی نکنید و در صدد کشف عیوب پنهان آنان نباشید، زیرا هر کس در صدد کشف عیوب برادر مسلمانش برآید، خداوند عیوب او را برملا و او را رسوا می‌کند و لو این که او در داخل خانه‌اش باشد. و فرمود: هر کس به سخنان قومی گوش فرا دهد و آنها را استماع کند که آنان مایل به چنین چیزی نباشند، روز قیامت در گوش او سرب مذاب ریخته می‌شود. (ترمذی).

عمل جرمی و قصد عملی جرمی در مراحل مختلف آن و لو اجرا نشده باشد امور خلاف شرع اسلامی و قواعد آن است. متخلف و متجاوز قابل پیگرد عدلی و قضائی پنداشته می‌شود.

استفاده سوء از صلاحیت‌های حکومتی، استعمال سلاح دولتی به صورت غیر مشروع، توقیف غیر مشروع، لت و کوب و بالاخره تلاش به لواط و اجرای آن، تحدید به فلم برداری و اشاعه نام بد و ... تمام اعمال جرمی خلاف قوانین نافذ کشور های مدرن و قوانین سایر کشور های جهان به شمول کشور های اسلامی و قوانین اسلامی است.

لواط یکی از جمله انحرافات اخلاقی که برخی از اشخاص و حتا اقوامی دست به این عمل شنیع می زنند. این انحراف و مسیر غیر نورمال و درموارد مریض و حتی شنیع، خلاف اخلاق نورمال برخوردار انسانی، ظلم در حق دیگران، عمل خلاف اصول قبول شده بشری، خلاف ساختار طبیعی انسان و بالاخره عمل خلاف اصول تمام شرایع آسمانی است.

دین مقدس اسلام و دساتیر سایر ادیان راستین آسمانی پیروان خویش را به شدت تام واضح و آشکار از این انحرافات اخلاقی، عمل و روش خلاف خلقت طبیعی انسانها و در نهایت امر ظلم و عمل شنیع، منع فرموده است و آن را عمل و اخلاق حرام می داند.

پروردگار با عظمت ما بنابر شدت و غیر انسانی بودن عمل لواط یک قوم را (قوم لوط) به خاطر این عمل زشت و شنیع، قبل از این که در روز آخرت مورد جزاء و عتاب قرار دهد، حتی در همین دنیا مورد عذاب دردناک، عظیم و عبرت انگیزی برای سایر بشریت قرار داده است.

در حدیثی که از ابن عباس رضی الله عنه آمده است که: پیامبر صلی الله علیه و سلم فرموده: « **من وجدتموه يعمل عمل قوم لوط فاقتلوا الفاعل والمفعول به** » (صحیح ابن ماجه: ۲۰۷۵) (هر کسی را یافتید که عمل قوم لوط را انجام داد، فاعل و مفعول را بکشید). **در این مورد به یقین کسی که مجبور به عمل لواط شده و بدون رضا مفعول قرار گرفته، مظلوم و متضرر است که بر حاکمیت است تا از حقوق وی دفاع و متجاوز و همکاران و همدستان و مبلغین شر و تجاوز را به عدالت بسپارد.**

محدثین می نویسند:

از عبدالله ابن عباس سؤال شد که نحوه قتل مرتکب این عمل باید چطور صورت گیرد؟ فرمودند که: بالاترین نقطه شهر را جست و جو نماید، و سپس فاعل و مفعول را از آن نقطه بالا به پائین پرتاب نمایند، و بعد از پرتاب او را به سنگ زده و سنگسار نماید.

عبدالله بن عباس برای تأیید حکم صادره خویش بر آیات قرآنی استدلال نموده می افزاید:

چون جبرئیل علیه السلام به دستور پروردگار با عظمت شهر قوم لوط را از جا بر کند و سپس آنها را از آسمان سرچپه به روی زمین پرتاب نمود و سپس بالای سر آنها از آسمان سنگباران صورت گرفت.

از یکی از خلفای پیشین نقل شده است که می گفت: اگر خداوند این عمل را از قوم لوط نقل نمی کرد من هرگز حتی به ذهنم هم خطور نمی کرد که: انسان هم مرتکب چنین عمل شنیع می گردد!

توجه باید کرد در ذهن تعدادی از علماء و قوع این عمل شنیع خطور هم نمی کرد، ولی با تأسف باید امروز در کشور اسلامی ما این عمل به حیث مود روز در بین برخی از زورمندان و قومندانان مبدل گردیده است. که مطمئناً به غضب الهی مواجه شده اند و خواهند شد.

در مورد حد لواط اصحاب پیامبر صلی الله علیه و سلم از جمله ناصر و قاسم بن ابراهیم و یکی از دو قول امام شافعی بر آن می باشند که حد لواط قتل و کشتن و حتی رجم است اگرچه محصن هم نباشد یعنی هرکس مرتکب لواط شود باید کشته شود. و به احادیث ذیل استدلال می نمایند:

از حضرت علی کرم الله وجهه روایت گردیده است که: هر آن شخصی که مرتکب عمل لواط گردد باید رجم کرده شود. (امام بیهقی این حدیث را روایت فرموده است)

امام شافعی: بااستناد این حکم می فرماید: هرکس مرتکب این عمل شود از دواج کرده یا ازدواج نکرده محصن باشد و یا غیر محصن باشد سزای آن را قتل و کشتن است.

هكذا در روایتی آمده است که : روزی حضرت ابوبکر صدیق (رض) اصحاب را درباره کسی که عمل لواط را مرتکب گردیده به مشوره فرا خواند . در این مجلس مشورتی سخن حضرت علی بن ابیطالب از همه شدیدتر و تندتر بود که فرمود : « این گناهی است که هیچ امتی از امته مرتکب آن نشده اند مگر یک امت و می دانید که خداوند با آن امت چگونه رفتار کرد. به نظر ما چنین اشخاصی باید با آتش سوزانده شوند». لذا ابوبکر صدیق به خالد بن ولید نوشت و به وی دستور داد که چنین اشخاصی را بسوزاند. بیهقی این روایت را تخریج نموده و در اسناد آن « ارسال» می باشد . امام شوکانی می فرماید : که در تأدیة جزا به شخصی لواط می توان بر همین حدیث استناد نمود . در روایتی از ابوبکر صدیق و حضرت عمر آمده است که در مرحله اول شخصی لواط را باید با شمشیر کشت و بعد از قتل، جسدش را باید سوزاند، زیرا این اشخاص معصیت بزرگی را مرتکب شده است . در روایتی دیگری از حضرت عمر و حضرت عثمان آمده است که مرتکبین این جنایت باید زیر دیوار خرابه به قتل رسانیده شود .

امام یغوی از شعبی و زهری و مالک و احمد و اسحاق روایت نموده که مرتکبین این جنایت باید رجم کردند و امام ترمذی این روایت را از امام مالک ، امام شافعی ، امام احمد و اسحاق روایت نموده است . در روایتی از امام نخعی آمده است که اگر می شد دو بار زانی را رجم کرد می بایستی مرتکب لواط را دو بار رجم بکنند . امام منذری در روایتی می فرماید که : حضرت ابوبکر صدیق و حضرت علی و عبدالله بن زبیر و هشام بن عبدالملک مرتکب عمل لواط را می سوزانند . چنانچه گفته آمدیم حاکمیت اسلامی و دولت مکلفیت دارد که در این عرصه مکلفیت های خویش را مانند حامی قانون و شرع غرای محمدی صلی الله علیه وسلم کماحقه اجراء کند. تخلف از قانون و عمل خلاف از قانون برای دولت و حاکمیت، کردن کاری که باید نه کند و نه کردن کاری که باید کند، نیز می باشد.

امام شوکانی می فرماید: « بجا و مستحق خواهد بود شخصی را که مرتکب این جرم ، رذیله و پستی می شود به شیوه جزا دهند که عبرت و پند برای دیگران شود ، مرتکبین این جنایت باید به شیوه ای عذاب گردند که آتش شهوت فاسقان تبهکار را خاموش سازد.

اشخاصی که این عمل شنیع قوم لوط را مرتکب می شوند ، عمل قومی را مرتکب می شوند که قبل از قوم لوط اقوامی دیگر آن را مرتکب نگردیده بودند، بناءً شایسته و بجا خواهد بود که به جزا و شکنجه شدیدی محکوم کردند تا، از درد عذاب این شکنجه بسوزند ، خداوند این قوم تبهکار را در زمین فرو برد و ریشه شان را از بیخ وین نابود سازد.» والله اعلم بالصواب

تتبع و نگارش:

الحاج داکتر امین الدین «سعیدی - سعیدی افغانی»

مدیر مرکز مطالعات ستراتیژیک افغان و مسؤول مرکز فرهنگی د حق لاره- جرمنی